

غزل شماره ۳۵۱

حاشا که من به موسم گل ترک می کنم
من لاف عقل می زنم، این کار کی کنم

مطرب کجاست تا همه محصول زهد و علم
در کار چنگ و بربط و آوازی کنم

از قیل و قال مدرسه حالی دلم گرفت
یک چند نیز خدمت معشوق و می کنم

کی بود در زمانه وفا؟ جام می یار

تا من بحایتِ جم و کاوسِ کی کنم

از نامه سیاه ترسم که روزِ حشر

با فیضِ لطفِ او صد از این نامه طی کنم

کو یک صبح؟ تا کله های شبِ فراق

با آن خجسته طالعِ فرخنده پی کنم

این جانِ عاریت که به حافظ سپرد دوست

روزی رُخشِ بیستم و تسلیمِ وی کنم

تفسیر فال

مرحله جدیدی از زندگیتان را آغاز می‌کنید و به رشد عقلی و فکری قابل توجهی دست یافته‌اید. این دوران، فرصتی است تا ایمان و عملتان را با یکدیگر هماهنگ کنید و در مسیر تعالی قرار بگیرید. از آنجا که ممکن است از تزویر و ریا در اطرافتان ناراحت باشید، مهم است که با صراحت و صداقت به زندگی ادامه دهید و بر ارزش‌های اصیل انسانی تأکید کنید. در این راستا، لطف خداوند شامل حالتان شده است؛ زیرا به شما نامه‌ای با ارزش تقدیم می‌شود که می‌تواند شادمانی عمیقی را برای شما به ارمغان آورد. این نامه نه تنها نمادی از محبت الهی است، بلکه فرصتی فراهم می‌آورد تا توشه‌ای نیز برای آخرت خود جمع‌آوری کنید. بنابراین، با درک عمیق از این فرصت‌ها، باید تلاش کنید تا بهترین استفاده را ببرید و به رشد روحانی خود بیفزایید.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)